

افشاگری معاون رئیس‌جمهور آمریکا از پول پاشی رژیم صهیونیستی علیه تفاهمنامه و اخاذی دولت پنهان از ترامپ برای ازسرگیری جنگ علیه ایران

ونس و کد اپستیبن!



طراحی شده بود، به‌تدریج به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به ادامه جنگ علیه ایران تبدیل شد. خود پارسکیل نیز در دفاع از عملکرد این پروژه به نتایج نظرسنجی‌ها استناد کرده و گفته است حمایت حامیان ترامپ از حمله به ایران از ۷۸ درصد به ۸۴ درصد افزایش یافته است؛ آساری که از نگاه منتقدان، نشان‌دهنده موفقیت این کارزار در تقویت روایت‌های جنگ‌طلبانه در میان بخشی از پایگاه اجتماعی ترامپ است. به نوشته تایم، یکی از پیامدهای این عملیات رسانه‌ای آن بود که برخی چهره‌های ضد جنگ نزدیک به ترامپ نیز نخواستند همان روایت مطلوب تل‌آویو را بازتاب‌دادند. به جای حمایت از توافق آتش‌س، شماری از فعالان جریان ماگا ترامپ را متهم کردند که پیش از نابودی برنامه هسته‌ای ایران، در برابر تهران عقب‌نشینی کرده و به توافق تن داده است؛ روایتی که به باور برخی مقام‌های آمریکا، با اهداف سیاسی کابینه نتانیاهو همسو است.

■ **شاهد ماجرا**

پس از انتشار گزارش تایم درباره پول‌پاشی صهیونیست‌ها برای ادامه جنگ و تجاوز ترامپ علیه ایران، حالا یک مقام ارشد دولت وی هم این گزارش را تایید کرده است. معاون رئیس‌جمهور آمریکا با تایید گزارش‌آخر مجله تایم گفت یک کارزار نفوذ خارجی با هدف شکست مذاکرات با ایران تأمین مالی شده است. «جی ونس»؛ پس از انتشار گزارش تایم در گفت‌وگو با پادکست «جو روگان اکسپرنس» متعلق به جو روگان، خبرنگار آمریکایی، تأکید کرد واشنگتن با وجود فشار برخی سیاستمداران محافظه‌کار مانند مایک پنس معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا برای تغییر حکومت ایران نیروی زمینی اعزام نخواهد کرد. وی ادامه داد: این‌ها (سیاستمداران محافظه‌کار) فقط می‌خواهند عملیات نظامی برای همیشه ادامه یابد و واقعا نمی‌دانند دقیقا چه می‌خواهند به دست آورند. ونس در این پادکست ۳ ساعته افزود: بسیاری از افرادی که پول در یافت‌کردند، با روش‌هایی کاملا غیرمادفانه به من به دلیل آتش‌س با تهران حمله کردند. پاسخ من به آنها این است: به جهنم بروید. من کاری را انجام می‌دهم که به نفع مردم آمریکا باشد. من پیش از هر امری نماینده مردم آمریکا هستم و همیشه

صلح بی‌پشتوانه، دعوت به جنگ است

در جایی معنا می‌یابد که چیزی در میدان قدرت تغییر کرده باشد یا طرف‌ها به این نتیجه رسیده باشند که ادامه مسیر قبل پر هزینه‌تر از ورود به مسیر تازه است. به همین دلیل، میدان جنگ و میز مذاکره ۲ جهان جدا از هم نیستند. جنگ، اگر رخ دهد، معمولا برای تغییر نسبت قدرت است و مذاکره، اگر جدی باشد، برای تثبیت سیاسی همان نسبت قدرت اتفاق می‌افتد. در چنین چارچوبی، نمی‌توان درباره توافق، صلح، آتش‌س یا رفع مخاصمه سخن گفت و از مساله بازاردنگی عبور کرد. صلحی که پشتوانه دفاعی نداشته باشد، بیشتر شبیه مکتی موقت در میانه جنگ است. توقف آتش، اگر از دل نوعی موازنه بیرون نیامده باشد، می‌تواند به فرصتی برای بازآرایی طرف مهاجم تبدیل شود. به بیان بهتر مذاکره، اگر با درک درست از میدان قدرت همراه نباشد، ممکن است به نام عقابیت آغاز شود اما در عمل به پذیرش تدریجی مطالبات طرفی بینجامد که هنوز به پایان جنگ قانع نشده است.

■ **ایران، صلح و موضوع جبهه مقاومت**

اگر به این موضوع از چشم‌اندازی واقع‌گرایانه نگاه کنیم، بحث درباره جبهه مقاومت را هم باید از سطح شعار و احساسات سیاسی بیرون گذاریم و از منظری دقیق‌تر به آن نگاه کنیم. نباید موضوع مقاومت را صرفا به عنوان امری ایدئولوژیک، تبلیغاتی یا موضوعی ناشی از عواطف مذهبی صرف فهمید. ایده جبهه مقاومت، در سطح سیاست خارجی ایران، یک کارکردواقع‌گرایانه دارد.ایجاد عمق راهبردی،افزایش هزینه حمله مستقیم به ایران، انتقال بخشی از فشار امنیتی از مرزهای ملی به میدان‌های منطقه‌ای، ایجاد امکان بازدارندگی نامتناظر و محدود کردن آزادی عمل رژیم صهیونی و آمریکا در محیط پیرامونی ایران، تنها بخشی از کارکردهای سیاسی و منطقه‌ای متصل با ایده مقاومت در منطقه غرب آسیا بوده است.

باید در نظر داشته باشیم اینها مفاهیم احساسی یا عواطف ایدئالیستی و ایدئولوژیک صرف نیست، بلکه دربرگیرنده مفاهیم سخت سیاست است. کشوری که در محیطی پراشوب، در برابر قدرت‌هایی مجهزتر از خود و در مجاورت دشمنانی فعال و تهاجمی زندگی می‌کند، ناگزیر باید امنیت و حوزه عمل خود را در جایی بیرون از مرزهای خود تعریف کند. درباره کشوری که در چنین وضعیتی قرار دارد امنیت ملی همیشه در خط مرز جغرافیایی متوقف نمی‌شود. گاهی امنیت در مورد کشوری مثل این در توان آن برای ایجاد هزینه در بیرون از مرزهای رسمی‌اش تعریف می‌شود.البته قصد ندارم به تقدیس هر نوع مداخله، هر نوع هزینه، یا هر نوع استمرار بی‌پایان درگیری حکم کنم. چنانکه نوع هر چیزی در طول بیش از ۴۰ سال گذشته در جغرافیای مقاومت جریان داشته بیشتر بر تشکیل گروه‌های ملی با روحیه مقاومتی استوار بوده است که به لحاظ ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی ایران و از منظر واقعیت‌های سیاسی حاکم بر کشورهای خود

تلاش کرده‌ام این مسئولیت را با همین رویکرد انجام دهم. ونس با استناد به گزارش تایم عنوان کرد یکی از اعضای سابق ستاد انتخاباتی ترامپ که به گفته وی از سوی برخی عناصر در تل‌آویو پول دریافت کرده بود، به دلیل تلاش او برای مذاکره با ایران، حملاتی را علیه مذاکره با ایران سازماندهی کرد. او گفت: آنها به شکل افراطی به من حمله می‌کنند و می‌گویند نباید با ایران مذاکره کنم.

گزارش‌ها نشان می‌دهد طی چند هفته گذشته حملات معاون اول ترامپ به نفوذ صهیونیست‌ها در واشنگتن افزایش یافته است. برخی کارشناسان گفته‌اند جی ونس ادامه جنگ با ایران را به ضرر خود و حزب جمهوری خواه می‌داند و از این رو ضمن اعتراض به ازسرگیری جنگ علیه ایران، در حال افشاگری درباره تلاش صهیونیست‌ها برای ادامه جنگ است.

■ **تایید سلطه دولت پنهان اِپستیبن بر ترامپ**

معاون ترامپ در اظهارات اخیر خود به یک موضوع بسیار مهم نیز اشاره کرد: ارتباط و نفوذ عوامل مخفی موساد و اِپستین بر ترامپ. ونس در این ارتباط ادعان کرد جفری اِپستین، سرمایه‌دار بندانم و قاچاقچی و مجرم جنسی آمریکایی که سال ۲۰۱۹ در زندان خود کشتی شد(۱) با سطوح بالای اطلاعاتی و امنیتی در آمریکا و اسرائیل از جمله موساد و سیا ارتباط داشته است. ونس در برنامه روگان اظهار کرد اِپستین با حلقه‌های عالی‌رتبه امنیتی در ایالات متحده و تل‌آویو در تماس بوده است. ونس در عین حال تأکید کرد دولت‌ترامپ سال گذشته در انتشار پرونده‌های مربوط به اِپستین مجرم جنسی محکوم‌شده، «بد عمل کرد». معاون رئیس‌جمهور آمریکا ماه گذشته میلادی نیز در مصاحبه‌ای دیگر گفته بود: «بدافقانه بگویم من در مورد مسائل اِپستین به نوعی طرفدار تئوری توطئه هستم. به نظر من عجیب است فردی که آنشکارا یک مجرم جنسی است هم‌زمان با افراد ثروتمند و قدرتمند زیادی معاشرت داشته است». روزنامه جزوایم، پست در مطلبی درباره اظهارات ونس نوشت: او با اظهارات خود نظر یه‌ها درباره ارتباط اِپستین و موساد را تایید کرده است.

کارشناسان نیز معتقدند اظهار نظر معاون رئیس‌جمهور

آمریکا درباره ارتباط اِپستین با موساد و سرمایه‌داران بزرگ

آمریکایی، تاییدکننده همان نظریه‌هایی است که پیش‌تر درباره گیر کردن ترامپ در اسناد اِپستین عنوان شده بود؛ نظریاتی که ادعان دارند دولت مخفی و موساد روی عملکرد ترامپ مسلط هستند و صهیونیست‌ها با داشتن اسنادی از فسادهای اخلاقی ترامپ در پرونده اِپستین، عملکرد او را به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا کنترل می‌کنند. این فرضیه سال‌هاست از سوی برخی روزنامه‌نگاران، نویسندگان و حتی یک مقام سابق اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با نام «ری بن‌مناشه» مطرح شده است. با این حال تاکنون منابع رسمی در واشنگتن و تل‌آویو حاضر به انجام تحقیقات در این ارتباط نشده‌اند و مقام‌های صهیونی از جمله یوسی کوهن، رئیس پیشین موساد هم همکاری اِپستین با موساد را رد کرده، هرچند اکنون ونس چنین همکاری‌ای را مورد تأیید قرار داده و به طور ضمنی به فشار صهیونیست‌ها به ترامپ که مرتبط با پرونده اِپستین است، اشاره کرده است. البته ونس تنها کسی نیست که تأکید کرده ترامپ تحت کنترل صهیونیست‌ها و شخص نتانیاهوست. پیشتر نیز تاکر کارلسون (Tucker Carlson)، مجری و تحلیلگر جمهوری‌خواه آمریکایی پس از جنگ آمریکا علیه ایران، شدیدترین انتقادات را مطرح کرد و گفت ترامپ در حال پیشبرد «جنگ اسرائیل» است. وی تصریح کرد: «رامپ به برنامه‌ها و دستورکار نتانیاهو وابسته شده است». کارلسون در اظهارات دیگری نیز گفت رئیس‌جمهور آمریکا «برده اسرائیل» شده است. تونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن نیز تأکید کرده موساد نوارهای فسادهای اخلاقی ترامپ را در اختیار دارد و دلیل اصلی راه‌انداختن جنگ علیه ایران از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، همین موضوع است. کندیس اِوونز (Candace Owens)، تحلیلگر جمهوری‌خواه آمریکایی هم بارها تأکید کرده نفوذ نتانیاهو بر سیاست‌آمریکایش از حد شده و از ترامپ خواست از منافع تل‌آویو فاصله بگیرد. وی گفت واشنگتن نباید سیاست‌های خود را بر اساس خواسته‌های نتانیاهو تنظیم کند.

■ **افتادن پرده واقعیت‌ها**

افشاگری معاون ترامپ درباره نفوذ باند اِپستین در ساختار قدرت آمریکا پرده دیگری از این واقعیت براشته که چرا دولت ترامپ در برابر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دست بسته است. در واقع معاون ترامپ با ارتباط اِپستین با نهادهای امنیتی موساد و سایر اشاره به وجود دولت مخفی در آمریکا، غیرمستقیم به این مساله اشاره کرده است که جنگ فعلی علیه ایران نه جنگ مطلوب آمریکا، بلکه جنگ مورد نظر لابی یهودی و اسرائیل و موساد در کاخ سفید است؛ جنگی که به اعتقاد بسیاری، تاکنون بیشتر اِپستین‌سپاها را به جایگاه جمهوری‌خواهان در آمریکا زده و حالا ونس که چشم امیدبی به نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری بعدی آمریکا دارد، در افشاگری درباره فشر باند اِپستین و نتانیاهو بر ترامپ برای ادامه این جنگ، در پی تیرنه خود برآمده است. هرچند نباید است که صرف اشاره به فشارهای نتانیاهو بر ترامپ برای ادامه جنگ علیه ایران بتواند معاون اول ترامپ را از اتهامات مربوط به این جنگ پرهیزه برای آمریکایی‌ها تیرنه کند. پیش‌تر نیز عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به جریان نفوذ صهیونیست‌ها در آمریکا اشاره کرده و با توجه به گزارش‌ی که مجله تایم درباره نفوذ صهیونیست‌ها برای ادامه جنگ علیه ایران منتشر کرده بود، نوشت: «همه این واقعیت‌ها به‌زودی برملا خواهد شد. به آمریکایی‌ها هم‌رتبا درباره «نفوذ خارجی» هشدار داده می‌شود. پس در مورد کارزار گسترده اسرائیل برای برپا دادن دولت آمریکا و کشاندن آن به این جنگ انتخابی بی‌فرامی که حتما پیروزی در آن نخواهد بود، چه می‌توان گفت؟ بدتر از آن، اسرائیل از پول مالیات‌دهندگان آمریکایی استفاده می‌کند تا هر صلی منتقدی را در داخل ایالات متحده خاموش کند».

انتظاری از آغاز دوباره آتش علیه ایران دارد؟ چه چیزی ممکن است اراده او برای ادامه آتش علیه ایران را متوقف کند؟ این ائتلاف تا کجا حاضر است علیه زیرساخت‌های نظامی و مدنی ایران اقدام کند؟ در چه نقطه‌ای به این نتیجه می‌رسد که توافق، از ادامه جنگ و تجاوز، برایش کم‌هزینه‌تر است.

■ **حرف آخر**

در مجموع نباید از نظر دور داشته باشیم ما نمی‌توانیم از یک سودا عاقلانه رژیم صهیونیستی عامل اصلی عدم شکل‌گیری صلحی پایدار در منطقه است اما ازسوی‌دیگر چنان سخن بگوییم که گویی با دعوت عمومی به گفت‌وگو و حمایت اخلاقی(۱) از توافق، مساله اصلی ما حل می‌شود، چرا که اگر رژیم واقعا مانعی جدی در برابر صلح پایدار باشد، باید درباره آن نیرویی که می‌توان به شکل موثری از یک جنگ ایدئولوژیک تبدیل‌صحت کنیم تا جایی که از تاریخ اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران برمی‌آید، رژیم کم‌ترین اعتباری برای اخلاق، افکار عمومی و مفاهیمی مانند این قائل نیست. آن چیزی که این رژیم را از دست زدن به اقدامات خود علیه ایران در منطقه ما بازمی‌دارد، ترکیبی از دیپلماسی، توان دفاعی، بازدارندگی، اسجام داخلی و شبکه‌ای از قدرت منطقه‌ای است که هزینه ادامه تجاوز را برای آن پرنگ کرده و نوعی بازدارندگی واقع‌گرایانه را برای جمهوری اسرائیل تدارک می‌یابد. در همین راستا باید اهمیت واقع‌گرایانه تقویت جبهه مقاومت برای سیاست خارجی ایران را به درستی درک کنیم. نباید از نظر دور داشته باشیم دفاع از جبهه مقاومت الزاما به معنای دفاع از جنگ دائم نیست، چرا که سازمان عمومی جبهه مقاومت حول یک جور ایده سیاسی مناسب برای این رژیم دفاع و اداره دولت استوار شده است که می‌تواند در کشورهای میزبان به نفع ثبات، استقلال و توسعه عمومی آنها عمل کند. در نهایت صلح شرافتمندانه بدون تقویت و استفاده مناسب از قدرت دفاعی ممکن نیست. همان‌طور که قدرت دفاعی بدون افق سیاسی می‌تواند کشور را وارد چرخه‌ای فرساینده از جنگ‌های بی‌پایان کند.

بنابراین پرسش اصلی امروز درباره دوگانه صلح و مقاومت نیست؛ پرسش دقیق‌تری که باید به آن پاسخ دهیم این است: چه نوع صلحی، با چه پشتوانه‌ای، در چه موازنه‌ای، در برابر چه سطحی از تهدید و با چه تضمینی برای حفظ امنیت و موجودیت ایران برای ما مطلوب است؟ این کاملا درست است که ایران امروز به صلح نیاز دارد اما این صلح نباید حاصل فراموشی تهدید یا قدرت متجاوز به ایران باشد. در عین حال مقاومت ما می‌تواند در کشورهای میزبان به نفع ثبات، استقلال و توسعه عمومی آنها عمل کند. در نهایت صلح شرافتمندانه بدون تقویت یک آرزوی اخلاقی باشد، باید بر این فهم بنا شود که در جهان سیاست، حتی برای صلح هم باید از توان و اراده سیاسی لازم برای جنگیدن در دفاع از صلح برخوردار بود.

شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۶۶۳

جهان

گزارش

اتمام حجت امام جمعه نجف اشرف

با علی‌الزیدی و انتقاد صریح از دیدار او با ترامپ و اظهارات جنجالی رئیس‌جمهور آمریکا

عراق با ایران است



گروه بین‌الملل: هم‌زمان با بالا گرفتن انتقادات از سفر نخست‌وزیر عراق به آمریکا و دیدار وی با ترامپ، خطبیه جمعه نجف اشرف با اشاره به این سفر تأکید کرد گشایش اقتصادی نباید به قیمت از دست دادن حاکمیت و استقلال عراق تمام شود. به گزارش «وطن امروز»، آیتالله «سیدصدرالدین قبانجی» در خطبه‌های نماز جمعه دیروز نجف اشرف از اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با نخست‌وزیر عراق که احساسات مردم عراق، ارزش‌های مقاومت و فداکاری‌های آنها را جریحه‌دار کرد، ابراز تأسف کرد. امام جمعه نجف اشرف همچنین از مقامات کردستان عراق خواست ضمن جلوگیری از تجاوز و حمله به ایران توسط مخالفان جمهوری اسلامی، به آنها اجازه ندهند در اربیل و سایر نقاط این اقلیم ستاد اردوگاه ایجاد کنند. آیتالله قبانجی در خطبه‌های نماز جمعه نجف اشرف تأکید کرد: از آسمان و خاک عراق نباید به عنوان مجرای برای تجاوز به ایران یا هر کشور دیگری استفاده شود. وی افزود: ما با جمهوری اسلامی ایران هستیم، سرنوشت ما یکی است و بعد از آنها هیچ خیری در زندگی وجود ندارد.

■ **سفر پر حاشیه**

سفر علی‌الزیدی به آمریکا که قرار بود سفری مهم و سرنوشت‌ساز و نقطه عطفی در بازتعریف روابط ۲ طرف باشد با انتقادات بسیار گسترده‌ای در بغداد و دیگر شهرهای عراق مواجه شده است. عمده این انتقادات متوجه اظهارنظرهای ترامپ در دیدار با الزیدی است که در آن رئیس‌جمهور تروزیست آمریکا بار دیگر به موضوع ترور سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و فرمانده شهید ابومهدی مهندس اشاره کرد. پس از اظهارات ترامپ، موجی از خشم و انواع واکنش‌ها در عراق شکل گرفت. خانواده شهید مهندس، نایب‌رئیس پیشین سازمان حشدالشعبی، با صدور بیانیه‌ای شدیدالحن اعلام کرد سخنان رئیس‌جمهور آمریکا نشان‌دهنده تکرانی او از پیامدهای عملیات ترور است. آنان همچنین اعلام کردند هدف این سفر، اعمال فشار برای تضعیف و انحلال حشدالشعبی و نیز دست‌اندازی بر منابع و ثروت‌های عراق است. اظهارات ترامپ را بشدت مورد انتقاد قرار داد و شرکت‌های آمریکایی را مسؤول نابامانی و قطع برق در عراق دانست. وی از دولت بغداد خواست این شرکت‌ها را با شرکت‌هایی که «معتبر و قابل اعتماد» هستند، جایگزین کند و نسبت به هر گونه تلاش برای وادار کردن عراق به تبعیت یا سوءاستفاده از منابع این کشور هشدار داد. مقداد الخفاجی، نماینده جنبش حقوق در مجلس عراق هم الزیدی را متهم به موضع‌گیری ضعیف در دفاع از سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و فرمانده شهید ابومهدی مهندس مشهور به «فق‌ماندهان پیروزی» کرد. وی با هشدار نسبت به سکوت نیروهای سیاسی در قبال اهانت‌های مستمر به نمادهای نبردهای آزادی علیه گروهک تروزیست داعش، تأکید کرد موضع ضعیف نخست‌وزیر عراق در دفاع از فرماندهان پیروزی موجب تعجب و ناخرسندی است. وی همچنین تأکید کرد اگر فداکاری‌های بزرگ و فرماندهی حکیمانه نبردهای آزادسازی نبود، نخبگان سیاسی کنونی نمی‌توانستند در مسئولیت باشند و کشور را مدیریت کنند.

■ **نگرانی از نفت‌دزدی ترامپ**

از سوی دیگر اظهارات ترامپ در دیدار با الزیدی مبنی بر اینکه آمریکا «توافق‌های بزرگی» با عراق انجام خواهد داد و «هفت زیادی از عراق استخراج خواهد کرد»، در فضای رسانه‌ای عراق بازتاب منفی گسترده‌ای داشته است. منتقدان این سخنان را یادآور مواضع گذشته ترامپ درباره نفت عراق دانسته و بر حفظ حاکمیت اقتصادی این کشور تأکید کردند. منتقدان گفتند ادبیات عراق درباره نفت عراق یادآور اظهارات جنجالی ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش درباره «گرفتن نفت عراق» است و با شأن یک کشور مستقل سازگار نیست. رسانه‌های نزدیک به گروه‌های مقاومت از جمله نجبا و صابرنیوز عراق نیز نسبت به پیامدهای امنیتی و سیاسی نزدیکی بیش از حد به دولت ترامپ هشدار دادند و خواستار شفاف‌سازی توافق‌های انجام‌شده شدند. برخی ناظران عراق نیز معتقدند سفر الزیدی به آمریکا موجب ایجاد اجماع سیاسی در عراق نشد و نگرانی از افزایش نفوذ واشنگتن و فشار بر گروه‌های مقاومت همچنان در میان عراقی‌ها وجود دارد. طی روزهای گذشته همچنین ره‌های «مقاومت اسلامی عراق» با انتشار بیانیه‌ای شدیدالحن، مخالفت خود را با هرگونه توافقی که به افزایش نفوذ آمریکا در اقتصاد یا امنیت عراق منجر شود، اعلام کردند. آنها هشدار دادند حضور شرکت‌های آمریکایی نباید به اشغال اقتصادی عراق تبدیل شود و دولت بغداد حق ندارد با امضای قراردادهای بلندمدت، آینده اقتصادی کشور را به واشنگتن گره بزند. این موضع‌گیری‌ها تنها یک واکنش سیاسی نیست، بلکه نشان می‌دهد هر گونه تعامل احتمالی میان بغداد و واشنگتن تا نگرانی زیادی در عراق دنبال می‌شود و عراقی‌ها حاضر به کنار آمدن با نیروهای اشغالگر آمریکایی نیستند.

ادامه از صفحه اول

همین‌طور نمی‌توانیم این مساله را انکار کنیم که جامعه ما نیز مثل هر اجتماع سیاسی دیگری نیازمند تثبیت نوعی آرامش سیاسی در داخل و در مناسبات خارجی کشور

است؛ در عین حال می‌دانیم فشار بی‌امان جنگ و تحریم در کنار هم اقتصاد کشور را فرسوده خواهد کرد و دست به همین دلیل است که فکر می‌کنیم سیاستمداران ما در کنار نیروهای مسلح کشور باید از دست زدن به هر کاری و دنبال کردن هر امکانی که سایه جنگ را از سر کشور دور می‌کند فروگذار نباشند. با این حال از هیچ کدام از این گزاره‌های درست نمی‌توان نتیجه گرفت هر توافقی، در هر وضعیتی، یا هر موازنه‌ای و زیر هر سطحی از فشار، ضرورتا به سود ایران است.

■ **صلح پایدار و اهمیت مقاومت اراده سیاسی در میدان نبرد**

از یک چشم‌انداز واقع‌گرایانه، خواست اگر به تسلیم بی‌قیدوشرط منتهی شود، درست به اندازه جنگ‌طلبی بی‌برنامه، ناشی از تسلیم در مقابل عواطف ایدئولوژیک و عصبیت‌های سیاسی نامیمون و نخواستنی است. این هر دو مسیرهای متفاوتی به سمت نابودی کشور هستند. از این منظر توافق زمانی می‌تواند به سود ایران باشد که طرف مقابل نیز به این نتیجه رسیده باشد ادامه جنگ، فشار، تهدید یا تجاوز، هزینه‌ای سنگین‌تر از پذیرش نوعی توافق دارد، چرا که امروز تقریبا برای ما معلوم است در سیاست خارجی، دولت‌ها معمولا از سر شفتقت، خیرخواهی یا توصیه اخلاقی امتیاز نمی‌دهند. آنچه یک دولت را به مذاکره، عقب‌نشینی، توقف حمله یا پذیرش توافق وامی‌دارد، ترکیبی از هزینه، قدرت، زمان، فشار داخلی، موازنه منطقه‌ای، نگرانی از گسترش جنگ، ظرفیت فرسایش طرف مقابل و خطر از دست‌رفتن اهداف اصلی است. سیاست خارجی، جهان نیت‌های پاک نیست، جهان نیت‌ها، توان، هزینه‌ها و امکان‌هاست. از این جهت دعوت خام و ایده‌آلیستی به صلح نمی‌تواند هدف شرافتمندانه تأمین امنیت و آرامش را برای مردم کشور مهیا کند.

از این منظر، واقع‌گرای، اگر درست فهمیده شود، دقیقا همین مساله را به ما یادآوری می‌کند. واقع‌گرای ایدئولوژی دگم نیست. همان‌طور که مذهب، بر صلح‌گرایی بی‌قیدوشرط مبتنی نیست. توجه به این موضوع برای آن دسته از ایرانی‌هایی که به بهانه دعوت به نوعی واقع‌گرایی سیاسی از یک جور صلح‌گرایی ایدئولوژیک‌شده دفاع می‌کنند، حائز اهمیت است. واقع‌گرای بر فهم نسبت میان هدف و توان و هزینه استوار است. اگرچه در این معنا جنگ به‌خودی‌خود هدف نیست و باید به عنوان ابزاری برای تحقق هدفی سیاسی فهمیده شود اما نفس مذاکره هم بنا نیست در ردیف معجزات‌الهی قرار گیرد. باید بدانیم مذاکره تنها

